

پیمان مواخات روح الله بهرامی(*)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 8 - زمستان 80

مقاله حاضر که مقدمه ای است بر شکل گیری پیمان برادری در مدینه، به بررسی و تحلیل بینش اخوانی و آیین برادری اسلامی در صدر اسلام می پردازد و تلاش داشته ضمن بررسی مبانی فکری و فلسفی اندیشه اخوت دینی، نقش این بینش و نگرش وحیانی را در ایجاد وحدت در پیکره اجتماعی جامعه صدر اسلام بیان کند. برای تأمین این منظور موضوع فراخوانی قرآن به اخوت دینی، سیره و عمل پیامبر در ارتقای بینش اخوانی - نسبی جامعه عرب به سطح اخوت دینی و فاصله گرفتن از تعصبات خونی و نژادی ((الاخوه فی نسب)) و تبلیغات و تشویق های پیامبر برای ایجاد پیوند برادری میان مسلمانان را مورد بررسی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: بینش اخوانی، پیمان اخوت، قرآن، پیامبر، الاخوه فی نسب

فلسفه برادری در اسلام

اسلام منادی توحید است و توحید در اسلام نه تنها به مفهوم اعتقاد به خالق واحد و توانای خالق هستی بلکه به مفهوم توحید در پیکره اجتماع عظیم انسان ها با همه تفاوت هایشان بود و معنای کامل توحید فقط با اعلام برادری میان جامعه اسلامی و اجتماع بشری با يك رویکرد خداگرایانه مصداق عینی پیدا می کرد. در واقع تحقق اندیشه توحیدی در صورت اجتماع بشری احساس و درک این اندیشه بود که انسان از منشا واحدی است و از روح واحدی جنبش و حرکت یافته و از پیکره واحدی خلق شده است. این وحدانیت زمانی صورت تکاملی خود را پیدا می کرد که انسان ها این احساس را اجتماعی کنند و در سایه اعتقاد توحیدی در جمع برادران ایمانی و موحد درآیند و به مصداق ((انما المومنون اخوه...)) (1) در حلقه اجتماع انسان های مومن همه را برادر خویش بدانند و برای نجات برادران ایمانی و خدایی خویش از هیچ تلاشی فروگذاری نکنند. این گونه برادری، منادی و مروج نوعی بینش است که در آن همه کینه ها، نفرت ها، جهل ها، حق کشی ها و نابرابریها کنار گذاشته می شود و همه مردم در جامعه اسلامی برای تحقق اجتماعی برادرانه تلاش می کنند که در آن برابری و عدالت تمام بت های موهوم طبقاتی و امتیازات ستمگرانه را از روی کره خاکی و صفحه زندگی اجتماعی نیست و نابود می کند و با حذف دوگانه گرایی ها و تفرقه ها و تضادها، وحدت و یکتایی را نوید می دهد. این بینش بر خصومت ها و ستیزه گرایی ها و سرکشی ها و جدال های بی پایان و پر ملال اجتماع انسان ها خط بطلان می کشد. تجلی زیبایی این بینش اجتماعی را بایستی در سیره حضرت رسول (ص) و عصر طلایی اسلام جست و جو کرد. پیامبر در اندک زمانی با چنین نگاه و چنین بینش فلسفی در صحنه عمل اجتماعی تصویری به یادماندنی از برادری اسلامی ترسیم کرد. یکتایی اعتقادی و اجتماعی که حضرت رسول با جنبش الهی خویش ترویج کرد، توانست در میان اجتماعی از اعراب بادیه نشین و قبایل متعددی که تماماً در خود سری و ستیزه گری و برادرکشی و ستمگری و نابرابری و نابرابری بودند، روحیه الفت و مواخات ایجاد کند. (2) و روح انحصارگرایی قبیله ای، تفرقه، تنافر، قتل، غارت و تبعیض را در صحنه اجتماعی و جغرافیایی انسانی و سیاسی عربستان بزداید و شرک را به توحید مبدل سازد و شرک نه تنها در مراتب اعتقادی بلکه در مراتب اجتماعی جای خود را به وحدانیت و یکسانی بدهد. از این رو ندای برادری پیامبر اسلام درصدد بود که شرک اجتماعی را به توحید اجتماعی مبدل کند و آن را با عقیده به توحید اعتقادی و ایمانی همراه ساخته و در سایه توحید اعتقادی - اجتماعی قسط و عدالت اجتماعی را که هدف رسالت الهی پیامبران است محقق سازد.

پس جهان بینی توحیدی و اجتماعی حضرت رسول و آیین اسلام، منادی نظام توحیدی - اجتماعی در صحنه عمل

اجتماعی است تا با ایجاد جامعه ای برادروار و برابروار قطب های طبقاتی و امتیازات ناحق و ناشایسته زمان را در هم بریزد و زیربنای اجتماعی - اقتصادی جهان و جوامع نابرابر را با شعار توحید اعتقادی - اجتماعی دگرگون سازد. برادری اعلام ماهیت یکنواخت و سرشت متوازن و صدای یکتای همه انسان ها است و اعلام این اصل است که انسان ها با هم هستند و همه انسان ها با همه رنگ و صورت ها و شکل ها و انساب و قبایل و اقوام و نژادهایی که برای خویشتن واحد متصور شده اند، همه از يك منشا و ریشه اصیل واحد و یکتای الهی اند و حبل متین خداوند رشته ای نامریی در تاروپود همه انسان ها دمیده است که با توسل به آن وحدانیت خویش را می یابند. (3)

در واقع پیامبر آمد تا با شعار برادری طرز تلاقی بشر آن روزگار را تغییر داده و مبنا و فلسفه نوی دراندازد که الگوی زندگی اجتماعی و بینش اجتماعی - الهی انسان ها باشد و دیدگاه فلسفی انسان آن عصر را در باره فلسفه و جودی انسان متحول سازد و مبنای انسان شناسی نوی را پایه گذاری کند که ریشه در هستی شناسی و خداشناسی و توحید اعتقادی دارد. این که انسان ها همه از يك منشا اند و این منشا هم به لحاظ خلقت و اراده خدایی در خلق انسان و هستی و هم به لحاظ حیات اجتماعی در صحنه عمل اجتماعی و سیاسی تجلی کند. برادری مبلغ برابری و همطراری انسان هاست و ضد انسان کشی، ستمگری و فاصله اجتماعی و طبقاتی و نژادپرستی و برتریجویی نژادی. همه انسان ها از نگاه اسلام و پیامبر از يك منشا خدایی و قدسی اند و از يك کل واحد تنیده شده اند. همه فرزندان آدم و حوایند (4) و اعتقاد به اراده الهی و تحقق آن اراده بر روی زمین و امانت داری الهی برعهده بشر است. تنها چیزی که سبب انشعاب و افتراق و نابرابریها شده، آن جزء از اراده انسانی است که او را به جای این که به اتصال منبع واحد الهی و توجه به منشا واحد خلقت انسانی و به سوی سرچشمه برادری بکشاند - برخلاف آن سرشت الهی - به سوی خلاف آن جهت قدسی گام برداشته و از وحدانیت اجتماعی - اعتقادی به شرك اجتماعی - اعتقادی می کشاند. اسلام منادی مبارزه با شرك اعتقادی - اجتماعی است و جاودانه به سوی توحید در اعتقاد و عمل دعوت می کند. دعوت به برادری در سنت حضرت رسول از همین جا نشأت گرفته است.

قرآن و فراخوانی به اخوت اسلامی

اعمال و رفتار و سلوک پیامبر و عملکرد سیاسی و اجتماعی وی در تمام دوران حیات تاریخی اش منشا و ریشه در وحی الهی داشت و پیمان برادری و تفکر اخوانی وی برگرفته از تعالیم خدایی و آموزه های قرآنی بود. برای فهم عمل تاریخی و سیاسی و اجتماعی پیمان اخوت و تبلیغات حضرت رسول به سوی برادری و برابری در دوران پیش از هجرت و پس از آن در مدینه، توجه به متن مقدس قرآن کریم و آموزه های قرآنی در این باب اهمیت فوق العاده دارد. خداوند در آیات متعددی در قرآن کریم به مسأله اخوت و برادری دینی مسلمانان اشاره دارد و این مسأله را به عنوان یکی از محورترین عوامل در توسعه اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه و نفاق یاد می کند و بهترین راه وحدت و ترویج و تبلیغ آن را وحدت براساس برادری دینی و اخوت اجتماعی - اعتقادی می داند و آن را نعمتی عظیم قلمداد می کند که جامعه مسلمانان را از گسست و پراکندگی و وحشت و تنهایی و نزاع های درونی و طاقت فرسای قومی، قبیله ای، نژادی و برتریجویی های بی محتوا نجات داده و به راه وحدت و اتحاد سوق داده و مفهوم برادری را از ماهیت انحصاری و انسانی و قبیله ای آن خارج ساخته و از منظر والایر که تمام سطوح و مراتب آن را طرح می کند، بدان می پردازد. در جامعه جاهلی عرب پیش از اسلام آنچه از برادری منظور بود، برادری نسبی و سببی بود و نسب واحد و پیوندهای خونی و نسبی در فرهنگ جاهلیت ارجحیت ویژه ای داشت. به طور کلی برادری در قاموس عرب چندین بار معنایی را در بر داشت:

- 1 - برادری نسبی براساس پدر واحد (در سطح خانوادگی).
 - 2 - برادری براساس برادرخواندگی، صمیمیت و دوستی برادرانه.
 - 3 - برادری قبیله ای براساس تعصب قبیله ای و نیای واحد و یا در سطح کلان، اشتراك در خون و نژاد. (5)
- همه این سه نوع برادری در شبه جزیره عربی عصر جاهلی وجود داشت و عصیت قبیله ای و نسبی و قومی مبنای

کلی آنها بود و رفتار سیاسی - اجتماعی جامعه عرب بر این اساس شکل می گرفت. برادران در مقابله با بنی اعمام خود با همدیگر متحد می شدند و در مقابل آنها قرار می گرفتند. بنی اعمام برای مقابله و مبارزه با تیره ها و رقبای دیگر با یکدیگر متحد می شدند و تیره ها و طوایف برای مقابله با تیره ها و طوایف رقیب به همدیگر نزد یک می شدند و قبایلی که از نسب واحدی بودند برای مقابله با قبایل دیگر صفآرایی می کردند و با اعضای قبیله خود متحد می شدند. این قانون معیار دفاع از کیان سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قبیله بود.

قرآن کریم علاوه بر استعمال واژه اخوت و مشتقات آن در معانی سه گانه فوق معنا و مفهوم جدیدی را به حوزه معنایی و لغوی این واژه افزود که علاوه بر برداشتن مفاهیم بالا و اصلاح آن ها و جایگاه هر کدام در روابط سیاسی - اجتماعی مسلمانان، مفهوم والاتر و ارزنده تری را ارائه می داد که کارکرد آن در عرصه حیات سیاسی اجتماعی جامعه قبیله ای عرب در دوره اسلامی توانست استحاله ای عظیم در فرهنگ و سنت ها و باورهای قبیله ای ایجاد کند. از این راه به خلق فرهنگ و معنای جدید و وسیع از واژه اخوت پرداخت که در جامعه صدر اسلام تحقق و عینیت پیدا کرد. پیامبر اسلام در ترویج و توسعه فرهنگ قرآنی رنج ها و محنت های بسیار کشید تا جامعه عصر جاهلی را از وضع رقت باری که همواره آنان را در مقابل یکدیگر دشمن ساخته بود و به سبب دشمنی ها آسایش و آرامش از زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آنها رخت بر بسته بود، خارج سازد و معیارها و طبقات انساب را (6) که حق و باطل در پیوند و ارتباط طبقاتی با آنها معنی پیدا می کرد، از فرهنگ اجتماعی جامعه عرب حذف نماید و یا آن را جهت داده و به سوی فرهنگ جدید به کار گیرد.

کاربست این بار معنایی از اخوت قرآنی که به اخوت دینی و برادری اعتقادی تعبیر شد، باعث شد فرهنگ ((الاخوه فی نسب)) همراه با معیارهای جاهلی خود در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی اعراب تعدیل شده و فرهنگ ((الاخوه فی الدین)) جای آن را بگیرد.

فرهنگ اخوت دینی اکثر معیارهای نژادی و خونی را که باعث تفاخر و تضاد بود، طرد کرد و برادری دینی را جانشین آن ساخت. هر زمان ریشه های فرهنگ جاهلی به خاطر تعصبات کور قبیله ای بیدار می شد، قرآن به شدت به مبارزه با آن می پرداخت. زمانی پیامبر به خاطر علاقه اش به یک غلام حبشی که در بستر بیماری افتاده بود، مورد اعتراض برخی از مهاجران و انصار قرار گرفت، به طوری که برخی از آنان گفتند: ما خان و مان خود را رها کردیم و در خدمت رسول پیامدیم. هیچ کس این ندیدیم از او در زندگی و بیماری و مرگ که این غلام سیاه دید. (7)

در همین جا بود که آیه ذیل بر پیامبر نازل شد تا با طرز تفکر جاهلی که هنوز در اندیشه برخی مسلمانان خودنمایی می کرد، مبارزه کند و فضیلت و برتری را به تقوا و پرهیزگاری در میان ابنای بشر منحصر نماید: ((یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان یرحمکم ان الله علیکم خیر)). (8)

در همین سوره در آیاتی قبل از این، مسلمانان را برادران دینی قلمداد می کند و وظایف دیگر برادران دینی را در رفع اختلاف میان آنها مورد تأکید قرار می دهد:

((انما المومنون اخوه فإصلحوا بین إخوانکم واتقوا الله لعلکم ترحمون); (9) مسلمانان برادران دینی یکدیگرند. پس میان آنها صلح برقرار کنید و از خدا بترسید تا مورد رحمت او قرار گیرید)).

مبارزه قرآن با برتری طلبی های جاهلی و اعلان نسب واحد برای تمام ابنای بشری و اعلام برتری آنها و رد افتخارات واهی انسابی مشهور است و این که فضیلت در نسب نهفته نیست، بلکه نسب ها همواره به یک نسب ختم می شوند، بنابراین فضیلت و برتری نه بر معیار نسب، که بر معیار تقوای دینی است و برادری واقعی در برادری دینی نهفته است. رفتار حضرت رسول با غلام حبشی، ردیه ای بود بر تفکرات برتریجویانه و انسابی که عرب و عجم، برده و آزاد، اوسی و خزرجی، مضر و ربیعی و ... را در مقابل هم قرار می داد.

بنابراین قرآن و آموزه های الهی با ترویج و تبلیغ ارزش های الهی و دینی از راه اخوت اسلامی در جان و روح مسلمانان، ریشه درخت کهن کین و تفاخر نژادی و نسبی را قطع کرد.

در سراسر آیات قرآن که پیوندهای نسبی و واژه اخوت و مشتقات آن را ذکر می کند، معانی مختلف برادری از جمله برادری طایفه ای، نسبی، دینی و سببی را بیان کرده و همواره ویژگی ها و خصلت ها و امتیازات و منافع و مضار هر يك را یادآور می شود. در این میان از اخوت دینی (الآخوه فی الدین) به عنوان برترین و عمیق ترین مفهوم اجتماعی برای اتحاد جامعه اسلامی یاد می کند و وظایف و لوازم برادری دینی را خاطرنشان می نماید و با تأکیدات، ارزش های بیهوده برادری انسابی را که مایه تفاخر پوچ و بی معنی است، فسخ می کند.

اهداف گوناگون اخوت را با مذاقه و تفحص در متن آیات قرآن می توان چنین دسته بندی کرد:

1. اصلاح امور مسلمانان به وسیله برادران دینی. (10)
2. توسعه برابری و برادری اجتماعی و اقتصادی (تحقق عدالت). (11)
3. رعایت حقوق برادران دینی در آیات ذکر می شود. (12)
4. نجات و رستگاری انسان با تقویت فضیلت های انسانی به وسیله تقوا و مبارزه با نژادپرستی و معیارهای طبقاتی. (13)
5. اجرای احکام الهی در توارث و وصایت و حقوق خانوادگی. (14)
6. ترویج حسن ایثار و انفاق. (15)
7. ایجاد اتفاق و اتحاد میان مسلمانان به منظور تحقق وحدت امت اسلامی. (16)
8. تعیین مرزبندی میان کفر و ایمان (17) و اقامه ضروریات دین.

اهمیت و مقام اخوت دینی از دیدگاه رسول اکرم

از آن جا که هدف رسالت پیامبر ایجاد قسط در جامعه اسلامی بود، بدون تردید تحقق این موضوع جز از راه اخوت دینی و برادری و الفت میان مجموع مسلمانان امکان پذیر نبود، زیرا تنها با احساس برادری و الفت دینی است که دل های مسلمانان به هم نزدیک می شود و تعاون و همکاری برای ساختن امت اسلام به وجود می آید و ایثار و از خودگذشتگی به خاطر برادران دینی معنا پیدا می کند و برابری و قسط اسلامی در سایه اخوت اعتقادی محقق می شود. از این رو پیامبر اسلام از آغاز به ترویج و تبلیغ بینش اخوانی میان مسلمانان همت گماشت و ضمن توجه دادن مسلمانان به آیات الهی در باب وظیفه و مسئولیت مسلمانان در برابر یکدیگر به عنوان برادران دینی، در عمل نیز برای ایجاد اتحاد و برادری تلاش وافر کرد و کوشش نمود مفهوم برادر دینی را از مفهوم برادر سنتی رایج میان جامعه عرب جدا نماید و مفهوم نو برادری دینی را در خدمت حق طلبی، عزت و حرمت انسان قرار دهد. در کنار این مفهوم سازی و تعریف جدید از برادری، رد ارزشهای خونی و متعصبانه و برادری سنتی را وجهه همت خویش قرار داد و در عمل و نظر فخرفروشی و مباحثات، قتل و کشتار، خیانت و ظلم و شقاوت در حق هموعان و برادران انسانی و دینی را که بر محور دفاع کورکورانه از حریم خاندانی و قبیله ای شکل گرفته بود، سراسر طرد کرد و برادری را از سطح روابط درون نژادی و خونی که عامل بروز رفتارهای سیاسی - اجتماعی ناصواب بود، به سطحی شایسته و فراتر میان تمام انسان ها بدل کرد که در حوزه آن انسان به عنوان عزیزترین خلقت هستی با بهره گیری از اخوت دینی صورت ها و مرزبندیهای نژادی، مکانی، خونی، قومی و طبقاتی را درهم شکند و مرزی متعالی و دینی و اعتقادی برای دوست داشتن، عشق ورزیدن، الفت، برادری و برابری ایجاد کند و خانواده بزرگی از انسان های مومن تشکیل دهد که در آن خواهران و برادران دینی در مقابل یکدیگر احساس مسئولیت و وظیفه کنند و برای ادای این مسئولیت و انجام این وظیفه بکوشند. (18)

پیامبر در طول زمامداری خود در عمل و گفتار و سلوک خویش معنای برادری دینی را محقق ساخت. در مکه زمانی که مسلمانان از هر سو مورد تهدید مشرکان و غیر مسلمانان بودند، تازه واردان به اسلام را تشویق می کرد برادر یکدیگر باشند و با یکدیگر متحد شوند. رمز موفقیت و قوت و پیروزیهای بعدی وی تا حد زیادی مرهون تشویق و تقویت بینش اخوانی و در گرو ایجاد پیوند برادرانه در جامعه اسلامی بود.

او در مکه میان عده ای از مسلمانان پیوند برادری ایجاد کرد و آنها را دویه دو برادر ساخت. خود نیز به این وظیفه عمل

کرد و در روزهای نخستین دعوتش پایه های آن را بر برادری بنا نهاد و به عنوان الگو و اسوه جامعه، علی(ع) را برادر خویش قرار داد. (19)

اهمیت مقام برادری در کلام پیامبر چنان است که می گوید: هیچ عملی را بیش از سه کار دوست ندارم و یکی از این سه کار: همیاری و برادری دینی در قبال برادران موحد است: ((هیچ عملی را بیش از سه کار دوست ندارم: سیرکردن گرسنگی مسلمانان و پرداختن وامش، برطرف ساختن اندوه از پیشانی؛ کسی که از مومنی اندوهش را برطرف کند، خدا اندوه روز رستاخیز او را برطرف خواهد کرد و خدا دست به یاری بنده اش است تا وقتی که بنده اش به کار یاری برادرش باشد)). (20)

معلوم است فقط در جامعه ای که احساس برادری دینی وجود دارد، چنین ایثار و همکاری و همیاری تجلی پیدا می کند.

در بخشی دیگر فرمود: ((المسلم إخوان المسلم لا يظلمه، و لا يخذله، و لا يسلمه؛ مسلمان برادر مسلمان است. هرگز بر او ستم روا نمی دارد و دست از یاریش بر نمی دارد و او را در مقابل حوادث روزگار تنها و تسلیم نمی سازد.)) (21)

در ترویج فرهنگ برادرانه و عیب پوشی از برادران دینی که آن را از اهم وظایف يك برادر دینی قلمداد می کند می فرماید:

((من ستر عوره إخيه المسلم سترالله عورته يوم القيامة؛ هر کس راز و عیب برادر دینی خویش را بپوشاند، خداوند در روز قیامت عیب او را می پوشاند.)) (22)

نیز می فرماید: ((مثل الاخوين مثل الیدین يغسل إحدهما الآخر؛ مثل دو برادر دینی مثال دو دست است که همدیگر را شست و شو می دهند.)) (23)

نیز برای تشویق همیاری و جلوگیری از اجحاف، برادران دینی را موظف می سازد به هیچ وجه نسبت به همدیگر ظلم روا ندارند؛ یکدیگر را رها نسازند؛ حاجت یکدیگر را برآورده سازند و عیب یکدیگر را بپوشانند. (24)

در همین باره پیامبر اسلام و ائمه و اولیای دین گفتارهای بسیاری را بیان کرده و حقوق برادری اسلامی را از دید اسلام بیان داشته اند که به يك حدیث ارزنده دیگر از پیامبر اکتفا می کنیم. در آن تمام حقوق برادران دینی را برشمرده است و صاحب بحارالانوار آن را در جلد 74 بیان داشته و در آن به صورتی جامع وظایف جامعه مومنان و برادران دینی را در سی ویژگی بیان داشته است:

پیامبر اسلام فرمود: مسلمان بر برادر دینی مسلمانش سی حق دارد که برائت ذمه از آن حاصل نمی گردد مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمان او:

1. يغفر زلته = لغزش هایش را ببخشد.
2. یرحم عبرته = در ناراحتی ها به او مهربانی کند.
3. یستر عورته = عیوب و اسرارش را مخفی دارد.
4. یقبل عثرته = اشتباهات او را جبران کند.
5. یقبل معذرته = عذر او را بپذیرد.
6. یرد غیبه = در برابر بدگویان از او دفاع کند.
7. و یدیم نصیحته = همیشه خیرخواه او باشد.
8. یحفظ خلته = در حفظ دوستی او کوشا باشد.
9. یرعی ذمته = آنچه را که بر ذمه اوست، مراعات نماید.
10. یعود مرضه = در وقت بیماری از او عیادت کند.
11. یشهد میتة = در هنگام مرگ او را تشییع نماید.
12. یجیب دعوته = دعوت او را اجابت کند.
13. یقبل هدیتة = هدایای او را بپذیرد.

14. یکافا صلته = عطاهاى او را جبران نماید.
15. یشکر نعمته = نعمت او را شکرگزاری کند.
16. یحسن نصرته = به دوستی او را یاری نماید.
17. یحفظ حلیته = ناموس او را حفظ کند.
18. یقضی حاجته = حاجت و نیاز او را برآورده سازد.
19. یشفع مسألته = برای نیاز و درخواستش نزد دیگران شفاعت کند.
20. یسمت عطسته = عطسه او را تحیت بگوید.
21. یرشد ضالته = او را ارشاد نماید.
22. یرد سلامه = به سلامش پاسخ بگوید.
23. یرب إنعامه = انعام او را به خوبی بدهد.
24. یرطب کلامه = کلامش را نیکو بیندازد.
25. یرصدق اقسامه = سوگند او را تصدیق و قبول کند.
26. یروالی ولیه = با دوستش دوستی کند.
27. لایعدایه = با او عداوت نکند.
28. ینصره ظالما و مظلوما: فاما نصرته ظالما و برده عن ظلمه و اما نصرته مظلوما فیعینه علی اخذ حقه = در یاری او بکوشد چه ظالم باشد چه مظلوم؛ اما یاری او در حالی که ظالم باشد، به این است که او را از ظلمش بازدارد و در حالی که مظلوم است، او را در گرفتن حقش کمک نماید.
- 29 و 30. لا یخذله و لا یسلمه و یحب له من الخیر ما یحب لنفسه و یکره له من الشر ما یکره لنفسه = او را در برابر حوادث بی یاور نگذارد و هر آنچه را برای خود می پسندد، برای دوستش بیسندد و هرچه از بدی خود نمی خواهد، برای او نیز نخواهد. (25)

اخوت اسلامی در مکه (مواخات اولیه)

در باب چگونگی مواخات میان مسلمانان در مکه، نخستین منابع تاریخ اسلام توضیحات دقیقی ارائه نمی دهند. در منابع تاریخ اسلام تنها کتب سیره هستند که اشاراتی به بحث مواخات در مکه دارند و از آن تحت عنوان ((المواخات اولیه)) یاد می کنند.

برخی از منابع متأخر اساسا مواخات اولیه را منکر شده اند. بحثی که بیشتر سبب انکار مواخات اولیه شده است، به تضادهای سیاسی و فرقه ای شیعه و سنی باز می گردد. برخی از مولفان و سیره نویسان اهل سنت برای انکار برادری رسول اکرم با علی(ع) - که شیعیان به استناد آن علی را به منزله برادر و جانشین حضرت رسول قلمداد می کنند - به مخالفت و رد روایت های مربوط به ((المواخات اولیه)) پرداخته و استدلال کرده اند که مواخات فقط در مدینه روی داد و میان مهاجر و انصار بود. با این وجود برخی از منابع از پیمان اخوت نخستین میان مسلمانان مکه سخن به میان آورده اند. منابعی که از پیمان برادری در مکه یاد کرده اند، خواسته اند توضیحات خود را در باب مسأله اخوت اسلامی در مدینه تکمیل نمایند. از این رو یکی از زمینه های اخوت مدینه را اخوت در مکه می دانند و به دو پیمان اخوانی در صدر اسلام تحت عنوان ((المواخات المدنیه)) و ((المواخات المکیه)) یا ((المواخات اولیه)) و ((المواخات الثانیه)) یاد می کنند. این منابع زمانی که به توضیح و تشریح جریان پیمان مواخات مدینه می پردازند، به صورت جداگانه به پیمان اخوت مکه اشاره نمی کنند، بلکه در حاشیه این پیمان از مواخات مکه به عنوان مقدمه پیمان اخوت مدینه سخن به میان می آورند. به خاطر همین، برخی مانند ابن تیمیه به رد آن پرداخته و دلایلی در این باب اقامه کرده اند. (26) در منابعی که بر ذکر پیمان اخوت در مکه اشاره کرده اند، به روند چگونگی پیمان مذکور و این که آیا این پیمان در مکان واحد و خاصی صورت گرفته یا در روز معین اتفاق افتاده، اشاره ای نشده است.

مسلم است پیامبر از آغاز، به وحدت و برادری اسلامی به عنوان يك راه حل مناسب برای ایجاد امت واحده پی برده بود و ضرورت اتحاد نیروهای مسلمان در مقابله با دشمنان را احساس کرده بود و فرمان خداوند مبنی بر الفت میان مسلمانان و برابری و برادری، این بینش و ضرورت تاریخی را تکمیل کرده بود.

پیامبر، براساس این بینش الهی و انسانی، رسالت خود را در ایجاد آن می دید و در هر زمانی که کسانی به اسلام در میآمدند، سعی می کرد میان آنها رابطه برادری ایجاد کند تا در سایه وحدت و وفاداری مسلمانان، قدرت دفاع از حریم اسلام را تقویت نماید و فاصله طبقاتی و نژادی رایج در عصر جاهلی را بدین صورت میان تازه مسلمانان از بین ببرد. عقد پیمان اخوت مدینه قدمی بزرگتر در راستای تقویت این طرز تفکر بود. پس نمی توان ماهیتا تفاوتی میان هدف پیامبر در ایجاد عقد اخوت در مکه و مدینه احساس کرد مگر آنچه که مربوط به وضع اجتماعی و اقتصادی میان مهاجر و انصار در هنگام پیمان مدینه وجود داشت، زیرا در آن زمان علاوه بر این که پیامبر قصد داشت رابطه و الفت میان مسلمانان را با این پیمان مستحکم سازد و زمینه تشکیل امت اسلامی را فراهم سازد، کمک انصار به مهاجران که از دیار خود کوچیده بودند عامل مضاعفی در تحکیم پیمان برادری در مدینه بود و در سایه پیمان مذکور برادران مهاجر می توانستند از مساعدت های مالی انصار بهره گیرند (27) و حتی از یکدیگر ارث بردند، گرچه پس از جنگ بدر هنگامی که مهاجران از غنائم جنگی بهره مند شدند و گشایشی در امور حاصل شد، رابطه ارث و میراث براساس اخوت، به حکم خداوند قطع گردید (28) و به نزدیکان میت سپرده شد.

هدف نهایی پیامبر از ایجاد عقد اخوت دینی میان مسلمانان توسعه بینش برادری و برابری اسلامی بود. به ویژه که سعی کرد در اخوت، حریم های برتریطلبی و اشرافیت خواهی را بشکند. از این رو میان برده و اسیر و سیاه حبشی و سید قریشی رابطه اخوت ایجاد کرد چنان که میان زید بن حارثه و حمزه بن ابی طالب ایجاد کرد. عظمت اسلام از همین جا آغاز می شود که در مدت کوتاهی پس از بعثت پیامبر، تعلیمات وی چنان بر قلوب اشراف عرب وحشت انداخت که راهی جز مبارزه و براندازی آن ندیدند. تعالیمی که ابی عبیده جراح را با سالم مولی ابی حذیفه در يك ردیف قرار داد؛ نیز عبیده بن حارث و بلال حبشی و حمزه و زید را در يك ردیف. این نشانه های آشکاری بود از فرو ریختن دیوارهای بلند عجب و غرور و هموار و یکسان شدن آنها و نویدی بود بر ایجاد جامعه ای واحد و عدالت جو. اشرافیت مکه بیش از هر چیز از این مسأله وحشت داشت و به آن اعتراض می کرد، ولی جامعه اسلامی و رهبر الهی (پیامبر) به آن مباحثات می کرد.

پیامبر همواره در مکه و مدینه این رویه را ادامه داد و برادری را تشویق و ترغیب کرد و برای تحقق آن، با رفتار و عمل و گفتار خود کوشید. در مدتی که در مکه بود، بنا به روایت منابع میان هیجده تن از مسلمانان، عقد اخوت بست و آنها را با هم برادر کرد. با هجرت به مدینه بنا به ضرورت های اعتقادی و سیاسی و اقتصادی امر اخوت دینی برای تشکیل جامعه ای واحد به شکل منسجم تر دنبال شد و با عقد پیمان المواخات ثانی به تحکیم این نوع بینش و نگرش در جامعه اسلامی همت گماشت. پاره ای از منابع تاریخ اسلام که به مواخات در مکه اشاره کرده اند، فهرست هایی از کسانی را که در مکه باهم برادر شدند، ارائه کرده اند. اکثر منابع، فهرست واحدی از برادران هم پیمان در مکه ارائه کرده اند، و این تواتر نشان دهنده صحت روایت مذکور است. بلاذری در انساب الاشراف، ابن سیدالناس در سیره النبویه، صالحی در سبل الهدی همگی از هیجده تن که در مکه عقد اخوت بسته اند، یاد می نمایند. در ذیل، فهرست هایی که آثار فوق ارائه داده اند، با تغییرات مختصری که دارند، ارائه گردیده است:

ردیف - مواخات مکه از انساب الاشراف بلاذری (29)

- 1 - حمزه - و - زید بن حارثه
- 2 - ابی بکر - و - عمر
- 3 - عثمان - و - عبدالرحمن بن عوف
- 4 - زبیر بن عوام - و - عبدالله بن مسعود
- 5 - عبیده بن حارث - و - بلال حبشی
- 6 - مصعب بن عمیر - و - سعد بن ابی وقاص
- 7 - ابی عبیده بن الجراح - و - سالم مولی ابی حذیفه

- 8 - سعید بن زید بن عمرو بن نفیل - و - طلحه بن عبیدالله
9 - علی بن ابی طالب(ع) - و - محمد رسول الله(ص)

ردیف - مواخات مکه از السیره النبویه ابن سیدالناس(30)

- 1 - ابی بکر - و - عمر
- 2 - حمزه - و - زید بن حارثه
- 3 - عثمان - و - عبدالرحمن بن عوف
- 4 - زبیر - و - ابن مسعود
- 5 - عبیده بن حارث - و - بلال حبشی
- 6 - مصعب بن عمیر - و - سعد بن ابی وقاص
- 7 - سعید بن زید بن عمرو بن نفیل - و - طلحه بن عبیدالله
- 8 - ابی عبیده جراح - و - سالم مولی ابی حذیفه
- 9 - علی بن ابی طالب(ع) - و - محمد بن عبدالله(ص)

ردیف - مواخات مکه از سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد(31)

- 1 - ابی بکر - و - عمر
- 2 - حمزه - و - زید بن حارثه
- 3 - عثمان - و - عبدالرحمن بن عوف
- 4 - زبیر بن عوام - و - عبدالله ابن مسعود
- 5 - عبیده بن الحارث - و - بلال حبشی
- 6 - مصعب بن عمیر - و - سعد بن ابی وقاص
- 7 - عبیده - و - سالم مولی ابی حذیفه
- 8 - سعید بن ابی زید - و - طلحه بن عبیدالله
- 9 - علی بن ابی طالب(ع) - و - حضرت رسول(ص)

منابع

- الالوسی، السید محمود شکر، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، (بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا) ج3.
- ابن سعد، طبقات الکبری، (بیروت، بی تا)، ج 1.
- ابن سیدالناس، السیره النبویه (عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل والسیره)، (بیروت، دارالحضاره للطباعه و نشر، 1986 م).
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1413ق) ج 1.
- بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمیدالله، (بیروت، دارالمعارف، بی تا) ج1.
- رازی، ابوالفتوح، روح الجنان فی تفسیرالقرآن، به کوشش دکتر جعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح، (مشهد، آستان قدس، 1378)، ج 18.
- المبارکغوری، صفی الرحمن، الرحیق المختوم، بحث فی السیره النبویه، (بیروت، دارالوفی للطباعه و نشر، بی تا).
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1361) ج 22.
- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، (تهران، نشر علمی و فرهنگی، 1366) ج 1.
- یوسف الصالحی الشامی، امام محمد، سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، تحقیق استاد عبدالعزیز عبدالحق حلمی، (بی تا، 1411 ه.ق / 1990 م) ج 3.

پی نوشت ها:

- *. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام - دانشگاه تربیت مدرس
1. حجات (49) آیه 10.
2. ((واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصحتم بنعمته اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فاینقذکم منها کذلک یتبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون)). آل عمران (3) آیه 103.
3. همان.
4. ((یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر)). حجات (49) آیه 13.
5. ((الاخوه فی النسب، الاخوه فی الصداقه، الاخوه فی الدین)) نگاه کنید به: محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1413 ق) ج 1، ص 22.
6. انساب عرب به طبقات مختلفی چون: جدم، جمهور، شعب، قبیله، عماره، بطن، فخذ، عشیره، فصیله، رهط، اِسْرَه، عتره، ذریه و زاد تقسیم می شد و مناسبات اجتماعی و قبیله ای بر محور دوری و نزدیکی روابط خونی و نژادی بر هر یک از آنها استوار بود. نگاه کنید به: السید محمود شکر الالوسی، بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب، (بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا) ج 3، ص 191 - 188.

7. ابوالفتح رازی، روح الجنان فی تفسیرالقرآن، به کوشش دکتر جعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح، (مشهد، آستان قدس، 1378) ج 18، ص 44.
8. حجرات (49) آیه 12.
9. همان، آیه 10.
10. همان، آیات 10 - 9 و بقره، آیه 178.
- 11 و 12. آل عمران (3) آیات 103 - 102 و توبه (9) آیات 12 - 11.
13. حجرات، آیه 47.
14. احزاب (33) آیات 5 - 4 و بقره، آیه 178.
15. بقره، آیه 220 و توبه، آیات 12 - 11.
16. آل عمران، آیات 103 - 102.
17. توبه، آیات 12 - 11.
18. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1361) ج 22، ص 172.
19. ابن سعد، طبقات الکبری، (بیروت، بی تا) ج 1، ص 239 - 238.
20. ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، (تهران، نشر علمی و فرهنگی، 1366) ج 1، ص 497.
21. تفسیر نمونه، ج 22، ص 173.
22. همان.
23. همان.
24. صفی الرحمن المبارکفوری، الرحیق المختوم، بحث فی السیره النبویه، (بیروت، دارالوفی للطباعه و نشر، بی تا) ص 21.
25. تفسیر نمونه، ج 22، ص 175 - 174 (به نقل از بحارالانوار، ج 74).
26. امام محمد یوسف الصالحی الشامی، سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، تحقیق استاد عبدالعزیز عبدالحق حلمی، بی جا، 1411 هـ.ق / 1990 م) ج 3، ص 534.
27. ابن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 293.
28. انقال (8) آیه 75.
29. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق دکتر محمد حمیدالله، (بیروت، دارالمعارف، بی تا) ج 1، ص 270.
30. ابن سیدالناس، السیره النبویه (عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل والسیره)، (بیروت، دارالحضاره للطباعه و نشر، 1986 م) ص 264.
31. سبیل الهدی، ص 538 - 532.